

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

یادداشت:

ضمن تشکر از آقای "هوتک" به خاطر مقاله شان باید خاطر نشان بسازیم: پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" داشتن و یا نداشتن دین و مذهب را یک امر شخصی افراد دانسته و به خود این حق را قابل نیست تا در مورد چگونگی اعتقادات مردم و تاثیر آن اعتقادات بر نوشته ها و آثار شان تعیین تکلیف نماید. آنچه برای پورتال بیشتر از همه اهمیت دارد افغان بودن و افغان ماندن افغانهاست، صرف نظر از آنکه به کدام دین، آئین و یا طرز تفکری معتقد اند. و آنهم چیزی نیست به غیر از حفظ منافع افغانستان (حفظ وحدت ملی، حفظ تمامیت ارضی و حفظ استقلال کشور) به همین سان تلاش به خاطر بهروزی مردم آن.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA

به قلم عبدالله هوتک

دردری ، نهادی فرهنگی یا پاتوق سربازان ولی فقیه !؟

گویا رژیم ولایت فقیه فکر میکند ، اهالی افغانستان هم سواد ندارند و هم شعور ندارند ! خامنه ای دغلباز که کشور ایران را به شکنجه گاه انسان و کشتارگاه آزادی ، مبدل کرده است، اخیراً یک ایجننت کهنه کار و عریان را به پایتخت افغانستان فرستاده و از افغانان میخواهد ، این الاغ رنگ شده را به عنوان « گوره خر» ! بپذیرند! یعنی ، این آقا ، شاعر است ؛ نویسنده است ؛ فرهنگی است ، اسلامی (!) است ؛ وخیلی (کمال کرده) که به خرابه افغانستان ، فروتنانه ، نزول اجلال فرموده است !!

خدمت جناب آیت الله خامنه ای عرض شود که اکثریت مردم افغان هرچند سواد ندارند ، اما از شعوری متعالی و همتی بلند ، برخوردارند! کاظم کاظمی ، درین سال های سیه روزی ، دهه اشغال شوروی و دهه های اشغال امریکا ، کدام گل را بر سر وطنداران خویش زده است که اکنون « طلبکارانه» بر مسند فرهنگ و ادب ، عروج میفرماید و دعوی « اصلاحات زبانی !» میکند ؟

کاظم کاظمی و برادر او حجت الاسلام کاظمی ، سال های زیادی است که جیره خوار انقلاب اسلامی ایران (!) اند ، اینان دو دهه ، حداقل، تنخواه خور (حقوق بگیر) حوزه هنری تبلیغات اسلامی ایران بوده اند ، برای خمینی و خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و ... شعر و مدح و منقبت و مرثیه ساخته اند ، برای سپاه پاسداران و دفتر رهبری (خامنه ای) در باره روشنفکران و فرهنگیان گریخته به ایران ، سرگرم خیر چینی ، گردآوری اطلاعات و توطئه بوده اند ، در دوره حکومت ببرک کارمل ، که جوانان افغان به خاطر امتناع و گریز از خدمت عسکری اجباری به ایران میرفتند ، با رجز خوانی ها و توجیه و تهدید و تطمیع همین به اصطلاح فرهنگیان خود فروخته ، مانند کاظم کاظمی ، ابو طالب مظفری، فضل الله قدسی ، سعادتملوک تابش ، سید حیدر علوی نژاد ، محمد آصف رحمانی ، سید نادر احمدی و ... نه تنها بر اوصاف و سجایای افغانی شان پشت پا زدند بلکه به سوی جبهه جنگ عراق و ایران (جنگ شخصی خمینی با صدام حسین که ۸ سال دوام یافت) روانه شدند که عده ای به خاطر افغان بودن ، پس از کشته شدن ، تا امروز بدون گور و نشانه و محل قتل و تاریخ هلاکت ماندند ! کار به اصطلاح فرهنگی این جماعت خود باخته ، یعنی کاظم کاظمی و شرکاء را ناقدان درباری و اسلامی ایران ، « شعر مقاومت اسلامی» ! یا شعر جهاد و شهادت (!) لقب دادند و با مبالغه ها و گزافه های که مختص به ایران و ایرانی است ، آن را فصل جدیدی در تاریخ ادبیات فارسی ، قلمداد کردند!! شعر های کاظم کاظمی که اغلب زیر تاثیر سروده های علی معلم (شاعر انقلاب اسلامی ایران) ساخته شده با تلمیحات مذهب شیعه ، و اساطیر دینی و مذهبی توأم است مثلاً:

ای به امید کسان خفته ، ز خود یاد آرید !
تشنه کامان غنیمت ز احد ، یاد آرید!

++

دل مه بندید که صد فتنه در این ، پنهان است !
این همان قصه اسلام ابو سفیان است !

++

کیست درین انجمن محرم عشق غیور
ما همه بی غیرتیم ، آینه در کربلاست !

اگر شاعر را بدون در نظر داشت شخصیت و سرگذشت شاعر در نظر بگیریم ، شاید به نتایج برسیم که گمراه کننده باشد ! به طور مثال اگر برخی از سروده های جناب واصف باختری را یک خارجی ، یک پژوهشگر کم تجربه ، غیر بومی و دگم اندیش ، یک کسی که باختری را نشناسد ، بخواند و بخواند ، باختری را شاعر بزرگی خواهد یافت و شاید او را نیز مثل شاعر ملی ایران (شاملو) « شاعر آزادی » نام نهد و همه را گمراه کند! اما به همه ژرف اندیشان و خرد ورزان معلوم است که استاد واصف باختری هرگز شاعر آزادی و شهادت و مقاومت نبوده است ، بلکه آدمی است ترسو و استاد سازشکاری و انقیاد طلبی !

کاظم کاظمی ، شاعر مورد علاقه استاد باختری ، نیز سرایشگر پست زیبا کلام ، در صورتی که کردار و سرگذشت انفعالی و لقمه اندوزی او از سفره « ولایت فقیه» نادیده گرفته شود !

مؤسسان و رهبران در دری، چه کسانی هستند؟ رژیم ایران چه چیزی را فرهنگ مینامد؟ بهتر است از زبان یکی از سردمداران شبکه «در دری» یعنی جناب کاظم کاظمی، بشنویم:

(... سال ۱۳۷۰، از هر حیث برای ما، سال خوبی بود. تا سال ۱۳۷۰ مجموعه گروهی از شعر شاعران مهاجر به چاپ نرسیده بود؛ درین سال دو کتاب ازین گونه منتشر شد. «اشک قلم» مجموعه ای از شعر و مقاله بود که از سوی انجمن اسلامی شعرای مهاجر افغانستان منتشر شد و آثار ۳۸ تن از شاعران و نویسندگان مهاجر را در خود داشت. «شعر مقاومت افغانستان» که کار انجمن شاعران انقلاب اسلامی افغانستان، بود با پنجاه شعر از نوزده شاعر مهاجر. ناشر این کتاب، انتشارات حوزه هنری بود...

مجمع اول، نقطه عطفی روشن:

قضیه از سومین کنگره سراسری شعر حوزه های علمیه شروع شد، که شاعران طلبه مهاجر، درخشش خوبی در آن داشتند. این حضور خوب، محرکی شد برای یکی از مسؤولان گرانمایه تبلیغات اسلامی تا زمینه آشنایی شاعران مهاجر را با دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور افغانستان، فراهم کند. نویسنده این سطور به عنوان نماینده انجمن شاعران به حضور حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی، نماینده محترم مقام معظم رهبری در امور افغانستان، رسید و در آنجا بود که تصمیم این دفتر برای برگزاری نخستین مجمع شعر انقلاب اسلامی افغانستان، اعلام شد! این نخستین برنامه شعری ما بود که در آن مسؤولان احزاب جهادی افغانستان، به طور وسیعی، شرکت داشتند. محل برنامه، تهران بود، زمان آن دهه فجر سال ۱۳۷۰ و برگزار کننده آن دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور افغانستان!

شنبه ۱۲/۱۱/۱۳۷۰ شاعران مجمع با حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، ریاست جمهوری ایران، دیدار کردند. در این جلسه پس از سخنان کوتاه حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی و دوتن از مسؤولان جهادی افغانستان، سید فضل الله قدسی و محمد کاظم کاظمی، شعرهایی خواندند. پس از آن سخنان رییس جمهور بود و قدر دانی از جامعه مهاجر افغانستان!

دومین جلسه شعر خوانی مجمع با اجرای نظام الدین شکوهی در روز دوشنبه ۱۴/۱۱/۱۳۷۰ تشکیل شد که در آن محمد زرگرپور، سید فضل احمد پیمان، شمیم جوادی، غلام حیدر قاسمی هروی، و عبدالغفور آرزو، شعر خوانی داشتند و بعد سخنرانی کوتاه حجت الاسلام ابراهیمی بود، با اهداء هدایایی که برای شاعران در نظر گرفته شده بود!

...بیاآخره شاعران مهاجر، پس از زیارت شهر قم، جلسه شعر خوانی در دفتر حزب وحدت اسلامی، و دیدار با یادگار حضرت امام، حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی نخستین گردهمایی بزرگ شان را پایان دادند. (۱)
این یادداشت که به قلم یکی از بنیادگذاران مؤسسه در دری نگاشته شده، جای چندان ابهامی باقی نمی گذارد که آنچه در دروغستان ایران «شعر مقاومت اسلامی افغانستان (!) یا مضحکتر «شعر انقلاب اسلامی افغانستان» خوانده میشده، دستپخت کدام نهاد رژیم ولایت فقیه است و از چه قماش است و انگیزه ایجاد و تداوم آن چه بوده! مؤسسه در دری (!) به قول رادیو ی بریتانیای کبیر، که اینک در کابل گشوده شده، ثمره جانفشانی و عرقریزی (!) شاعران و قلمزنانی است که در دهه های اخیر در کشور ایران زیسته اند، تحت نظر سازمان تبلیغات اسلامی ایران و طبق منویات دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری (! یعنی خامنه ای)، سازمان یافته اند و سرود خوانده اند! فعالیت فرهنگی (!) آنان، مزوج و هماهنگ بوده است با فعالیت سیاسی احزاب ۸ گانه دست آموز ایران، به ویژه تنظیم وحدت و حزب الله!

پس وقتی دم خروس پیداست به قسم حضرت عباس ، چگونه باور کنیم ؟ از کجا معلوم است که دم این « دم بریده » در کابل و سر آن در وزارت استخبارات جمهوری اسلامی ایران نباشد !
به یک پرسش کوچک (فقط برای تفنن !) بسنده میکنیم .جناب کاظمی چرا برای دیدار شهر قم از تعبیر « زیارت شهر قم (!) استفاده فرموده اند ! اگر بخاطر تقدس آن باشد، آیا ایشان برای شهر خودشان ، هرات باستان (که خاک اولیاء نیز است) حاضر اند همین تعبیر را به کار گیرند ؟
به هر حال مدح و ثنای رژیم ایران، به خصوص گریه و نوحه برای ارتحال امام مستضعفان جهان (!) توسط این قلمزنان در یوزه گر تا همین حالا ادامه دارد ، به دونه از این بازیهای دلفکانه اشاره میکنم :

هاشمی لولنجی :

رفتی ز جهان با دل خونبار خمینی
با ناله همی گویم و تکرار خمینی
ما عاشق یک لحظه دیدار تو بودیم
ما زنده به گفتار و به کردار تو بودیم!
رفتی و شدیم بی سر و سردار خمینی!
قدس و حرمین است عزادار خمینی !

محمد کاظم کاظمی

مباد آسمان بی تو خالی بماند !
و این چشمه دور از زلالی بماند!
چه می شد اگر کد خدا بر نمی گشت
و میشد کنار اهالی بماند !
چه ننگی است در آن ده را که فردا
نمانده ده و خشکسالی بماند
درختان ما سبز گردد ، بیوسد
و زنبیل همسایه خالی بماند !

شاعر انقلاب اسلامی افغانستان (!) جناب کاظمی آرزو میکند ، کد خدا (خمینی) دوباره به دنیا بر گردد (!)
خمینی، همان است که بیش از یک ملیون ایرانی را در جنگی بیهوده و شخصی ، قربانی کرد و در سال های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ فرمان قتل هزاران زندانی سیاسی را صادر کرد و به زندانیان و بازجویان اجازه داد بر دختران زندانی تجاوز جنسی کنند تا باکره از دنیا نروند !گویا شاعر بیبیاک ، سبیل (بروت) خود را از دستر خوان ولایت فقیه درین سالهای سیاه بسیار چرب کرده که بوی خون ، بوی شکنجه و گند و تعفن ، ، به مشامش نخورده است !
۱- پانویس : کارنامه شعر هجرت در ایران اسلامی . نوشته محمد کاظم کاظمی .مجله شعر . آبان ۱۳۷۳ .تهران